

ایسکرا

۱۰۰۰

دبیر کمیته کردستان نسان نودینیان
Tel: 004915778789846
E-mail: nasan.nodinian@gmail.com

سردبیر عبدل گلپریان

۱۶ مرداد ۱۳۹۸، ۷ اوت ۲۰۱۹ تلفن تماس با ما Tel: 004915142486244

جنایتکاران آرامش نخواهند داشت

حزب کمونیست کارگری ایران صفحه ۳

۲۸ مرداد ۱۳۵۸ و مروری بر مقاطع تاریخی ایندوره!

نسان نودینیان

۴۰ سال قبل در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ خمینی جنایتکار فرمان حمله به کردستان را اعلام کرد. با اجرای فرمان خمینی ارتش و نیروهای جمهوری اسلامی به کردستان حمله کردند، موجی از کشتار و ترور، قتل عام و وحشیگری، اعدام دسته جمعی، زندان و آوارگی را به کردستان آوردند. دادگاه های انقلاب اسلامی و صحرایی توسط خلخال، در سنندج، مریوان و سقز و پاوه برپا شد. با شروع جنگ مسلحانه، مقاومت و مبارزات توده ای در شهرهای کردستان شکل گرفت و بطور وسیع و سریع در سراسر کردستان تبدیل به درگیری و تظاهراتی خیابانی و ایجاد عدم امنیت برای نیروهای مسلح و مقامات دولتی و حکومتی جمهوری اسلامی شد.

جنبشی نیرومند علیه جمهوری اسلامی در شهرها شکل گرفت. جنبش و مبارزات توده ای که طی سه ماه توانست شیرازه نیروهای سرکوبگر را از هم بپاشد و بار دیگر شرایط دموکراتیک و حاکمیت توده ای مردم در شهرها را جایگزین حاکمیت سپاه جمهوری اسلامی بکند.

۴۰ سال از این تاریخ گذشته است. جامعه کردستان تغییرات اساسی را بخود دیده است. بافت طبقاتی و اجتماعی جامعه تغییر کرده است. طی این مدت مبارزات کارگری در شکل اعتصابات و مراسمهای اول ماه مه، مراسمهای روز جهانی زن و فستیوال کودکان ... عروج جنبش سوسیالیستی و مطالبات سوسیالیستی را فراهم کرده است. از مقطع بمیدان آمدن مردم و برقراری حاکمیت شورایی در شهر و محلات جنبش سوسیالیستی در کردستان بعنوان افق اعتراض رادیکال و انسانی در مقابل جنبش ناسیونالیستی بمیدان آمده است، و کردستان تا کنون توسط دو جنبش با پایگاه طبقاتی دو طبقه شناخته شده است.

۲۸ مرداد و حمله جنایتکارانه ارتش و سپاه پاسداران به کمک مزدوران محلی به کردستان برگ ننگینی از کارنامه سرتاپا جنایت و کشتار جمهوری اسلامی است.

از بهمن ماه ۵۷ تا ۲۸ مرداد ۱۳۸۵

در ایران انقلاب عظیم و توده ای حاکمیت دیکتاتوری رژیم پهلوی را در هم شکسته بود. اعتراضات انقلابی مردم ایران در این انقلاب از محلات حاشیه شهرهای تهران و مبارزه با پلیس امنیتی و ساواک رژیم پهلوی شروع و بسرعت در مراکز شهرها و دانشگاه ها و سپس به اعتصابات کارگران در مراکز کلیدی تولید کشیده شد، اعتصاب کارگران صنعت نفت در اوج این مبارزه به سرنگونی رژیم حاکم پهلوی ها تبدیل شد. مردم کردستان در انقلاب ۵۷ با هم سرنوشتی مبارزاتی - سیاسی دست در دست میلیونها نفر از مردم معترض در دیگر شهرهای ایران فعالانه شرکت کردند.

صفحه ۲

کومه در پله آخر منطقه گرائی

حمید تقوایی صفحه ۳

چرا رضا پهلوی مخالف آموزش و تدریس زبان مادری است؟

عبدل گلپریان صفحه ۴

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

عزیزه لطفی صفحه ۵

اعدام برای "حفظ نظام"

حسن صالحی صفحه ۶

اطلاعیه های خبری حزب

- * وکلای دستگیر شدگان هفت تپه: دادگاهتان را علنی برگزار کنید
- * بیدادگاه اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و دیگر حامیان نیشکر هفت تپه برگزار شد
- * تعدادی از کارگران نیشکر هفت تپه و دوستانشان بازداشت شدگان در محل حاضر شدند دادگاه بازداشت شدگان هفت تپه متشنج شد و به روز ۱۳ مرداد موکول شد
- * وکلای دستگیر شدگان هفت تپه: دادگاهتان را علنی برگزار کنید
- * تجمع معلمان حق التدریس، پرستاران مشهد ششمین روز اعتصاب کارگران راه آهن
- * تجمع معلمان شاغل وبازنشسته در اصفهان و پیوستن تعدادی از والدین دانش آموزان و مردم به صف آنان

صفحه ۷، ۸، ۹



**همه کارگران
زندانی و تمامی
زندانیان سیاسی
باید بدون قید و
شرط آزاد گردند!**

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

۲۸ مرداد ۱۳۵۸ و مروری...



یست توسط مردم کردستان بویژه در سنج رسوا و به اقتضای سیاسی برایش تبدیل شد.

جنبش ناسیونالیسم کرد و احزاب ناسیونالیستی از بهمن ماه ۵۷ با گرم شدن اعتراضات مردم در دفاع از دستاوردهای دموکراتیک آندوره یک دوره ای نسبتاً طولانی سیاست "تفاهم و نزدیکی" به جمهوری اسلامی را در پیش گرفت. اما واقعیت‌های اعتراضی و مبارزاتی و رشد جنبش سوسیالیستی و جمع شدن مطالبات این جنبش در دفاع از حقوق کارگر و زنان و رفع هر گونه تبعیض و ستم ملی توسط جنبش سوسیالیستی و تبدیل شدن شهرها به کانونهای مبارزاتی و مقاومت و دفاع از حقوق و کرامت انسانی، عملاً حزب دموکرات، افق و جنبش ناسیونالیستی کرد را منزوی کرد.

رسوایی دو شاخه حزب دموکرات کردستان و سازمانهای زحمتکشان و بندو بست با جمهوری اسلامی!

ما در شرایطی به جمع‌بندی دستاوردهای اعتراضی و مبارزاتی مردم کردستان و جایگاه جنبش سوسیالیستی میپردازیم که یکبار دیگر شاهد رسوایی جدیدی توسط احزاب ناسیونالیست کرد، بندو بست با جمهوری اسلامی هستیم. در حالی که؛ مبارزات مردم کردستان هم افق و هماهنگی با اعتراضات سراسری برای سرنگونی تقویت شده است، تعدادی از عناصر قاتل و سرکوبگر از سپاه قدس و زیر نظارت خامنه‌ای جنایتکار بدنبال پیدا کردن "دوستانی" هستند تا برای مدت زمان هر چند کوتاه ترس سرنگونی را به چانه زنی و بزانو درآوردن احزاب ناسیونالیست برای حفظ بقا بدست بگیرند.

سراسری و بهمن ماه ۵۷ بخش اعظم رهبری و کادری حزب دموکرات در تبعید و تعدادی از آنها در زندان (غنی بلوریان پیرو کنگره ۴ این حزب که به مشی حزب توده و سازمان اکثریت در دفاع از جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران پیوست) بودند. حزب دموکرات که در سیکل "رکورد فعالیت سیاسی و ابراز وجود" قرار گرفته بود با گرم شدن اعتراضات سیاسی و خیابانی در تعدادی از شهرها با استقرار بخشهایی از نیروهایش شروع به فعالیت علنی کرد. حزب حمد و شاکویی از خمینی و اسلام ارتجاعی در ردیف طرفداران "مشی امام" قرار گرفت. این حزب میخواست به این وسیله با ضد انقلاب اسلامی بقدرت رسیده به نوایی برسد.

در حالیکه مردم کردستان و نیروهای چپ و کمونیست برای حفظ دستاوردهای دموکراتیک خود علیه ضد انقلاب اسلامی و مرتجعین محلی مبارزه میکردند، حزب دموکرات مشغول آستانبوسی در محل استقرار خمینی جلا شد. به دولت بازرگان خودش را آویزان کرده بود و سپس با پیام لبیک به خمینی و ضد انقلاب اسلامی برای نیروهای چپ و کمونیست و مردم آزادخواه کردستان که قصد تسلیم و تمکین به حاکمیت خودگمارده جمهوری اسلامی را نداشتند، سیاست تهدید و شاخ و شانه کشیدن را اتخاذ کرد. سیاست تهدید نظامی مردم معترض سنندج و سیاست اسکورت نیروهای جمهوری اسلامی توسط این حزب با شعارهای رادیکال علیه سازشکاری و بند

شهرها بویژه در سنندج و مهاباد، گرایش اجتماعی و چپ و رادیکال در کردستان بعنوان مدافعین مداوم انقلاب ۵۷ و در تقابل با ارتجاع تازه به قدرت خزیده جمهوری اسلامی، رزمنده تر و رادیکالتر به میدان آمد. چپ و کمونیسم با دخالت موثر و فعال ابراز وجود کرد و به نماینده رزمنده منافع کارگران و زنان و توده میلیونی مردم در کردستان برای رفع تبعیض و نابرابری تبدیل شد. مردم کردستان برای اولین بار قدرت و حضور چپ و کمونیسم را تجربه کردند.

جمهوری اسلامی و بمیدان آمدن چپ و کمونیستها!

جمهوری اسلامی در تقابل با حضور موثر و فعال چپ و کمونیستها، ابتدا تلاش کرد از میان مرتجعین محلی واحدهای سپاه پاسداران را بسیج کند و در عین حال به دوائر ارتجاعی چون مکتب قران مفتی زاده متکی شود، تقویت نیروهای نظامی و جمع آوری تعدادی از مزدوران شرور و طرفدار جمهوری اسلامی و تلاش برای استقرار نیروهای مزدور محلی و سپاه پاسداران در شهرها و نقشه ترور چپ و کمونیستها تلاشهای فوری جمهوری اسلامی بود که این تلاشها در ظرف چند ماه به شکست کشیده شد. که سرانجام بعد از کسب آمادگی با توپ و تانک و هواپیما و اعزام نیروهای سرکوبگر ارتش و حزب الله، خمینی جنایتکار فرمان حمله به کردستان را صادر کرد.

جنبش ناسیونالیستی کرد حزب دموکرات کردستان.

تا مقطع شروع اعتراضات

در این مقطع با وجود فضای سیاسی و اعتراضی و حضور احزاب سیاسی (در بدو انقلاب ۵۷ هر چند ضعیف) جامعه کردستان به محلی پرتلاطم و کشمکش سیاسی و انقلابی تبدیل شده بود. در انقلاب ۵۷ و بعد از آن توده های مردم کردستان بسرعت مسلح شدند. در بیشتر شهرها و مناطق روستایی شرایط برای حاد شدن اختلافات طبقاتی و دعوا بر سر زمین و جلوگیری از اجحافات و زورگویی های مالیکن و فئودالها، ایجاد شده بود. در بطن چنین وضعیتی در حالیکه فضای سیاسی در میان مردم و زحمتکششان رو به اوج و گسترش بود، مالکین و فئودالها همراه با مرتجعین محلی و با کمک آیت الله های جمهوری اسلامی سعی در اسلامی کردن و ارتجاعی کردن شهرها را داشتند. هدف آنها جلوگیری از فضای باز سیاسی و دموکراتیکی بود که رو به رشد بود. هدف مالکین و ارتجاع محلی جلوگیری و سد کردن تعرض دهقانان و تلاش برای باز گرداندن ارتجاع دولتی و حکومتی و آوردن جمهوری اسلامی با ارتش و سپاه و زندان و دادگاههایش بود. اهداف شوم و سیاهی که با مقاومت و سد محکم انقلابیون رادیکال و مردم شهرها بویژه زنان و جوانان روبرو شد. و برای مدتی طولانی ناکام ماند.

عروج چپ و جنبش سوسیالیستی

با گسترش اعتراضات و ایجاد نهادهای دفاع از انقلاب و با بالاگرفتن فضای سیاسی و آرمانخواهی انقلابی - کمونیستی و حضور فعال چپ و کمونیستها در

خواب رهایی حکومت اسلامی از مبارزات کوبنده کارگران و مردم برای سرنگونی باطل است. سرکوب و زندان و اعدام روحیه مبارزاتی مردم را نتوانست بعقب برگرداند. مذاکره و بند و بست احزاب ناسیونالیست هم برای بقا جمهوری اسلامی کافی نیست. از نظر مردم اقدامی رسوا و سوخته است!

کارنامه این چهار جریان ناسیونالیست و باندسیاهی در چهار دهه گذشته پر است از بند و بست و تملق و پادوی برای دولتهای منطقه. یک دوره برای دولت فاشیستی ترکیه دوره ای برای عربستان و امریکا و اکنون با مذاکره و بند و بست بخیال خود میخواهند با جمهوری اسلامی بسازش برسند.

از نظر کارگران و مردم کردستان دوره بند و بست و مذاکره با حکومت اسلامی تمام شده. راه حل رفع ستم ملی در شرایط سیاسی کنونی با مذاکره و بند و بست و لاس زدن با فاشیستی ترین نظام حکومتی در ایران امکان پذیر نیست. مردم بر این واقعیت واقفند که جمهوری اسلامی کاری بجز ترور و سرکوب و اعدام و میلیتاریزه کردن کردستان انجام نداده است. راه حل رفع ستم ملی در شرایطی که کارگران و مردم خواهان سرنگونی هستند فقط و فقط با ادامه خواست سرنگونی و بسرانجام رساندن آن عملی است.

۱۴ مرداد ۱۳۹۸
۵ اوت ۲۰۱۹

کارگران، مردم، زنان، جوانان:

اکثریت عظیم مردم در جهان کمونیست هستند و خود نمیدانند. در وجود تک تک ما سوسیالیستهای پرحرارتی نهفته است که میخواهد از این قالب بیرون بزند. از قالبهایی که هیچکدام از آنها از بدو تولد همراه ما نبوده‌اند. قالب نژادی، قالب مذهبی، قالب ملی، قالب قومی، قالب سنی، قالب جنسیتی، هیچکدام اینها هویت ما را در بدو تولدمان شکل نداده‌اند. آن سوسیالیسم درونی ما، آن آدم سوسیالیستی که داخل پوست جلد ماست زیر بار هویتهایی که در طول زندگیش برایش تراشیده میشود و شما هر روزه آنها را حس میکنید، مدفون است.

حزب کمونیست کارگری ابرازی است برای مبارزه در راه آن سوسیالیسم، انسانیت و برابری طلبی که همه شما در قلبتان حس میکنید. به حزب خودتان پیوندید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ بهمن ۱۳۹۷، ۶ فوریه ۲۰۱۹

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاهو است
فرکانس: 11756
یولاریز آسیون: عمودی
سیمبل ریت: 27500
اف ای سی: 5/6

جنایتکاران آرامش نخواهند داشت

اخیرا پورمحمدی و رازینی از مقامات جمهوری اسلامی دهن باز کرده اند تا با وقاحت و بیشرمی نقش خود و سایر سران حکومت در جنایات دهه شصت را توجیه کنند. پورمحمدی که در کمیته مرگ جمهوری اسلامی یکی از مسئولین قتل عام بیسابقه در دهه شصت است، رسماً اعتراف میکند که در جمهوری اسلامی انتظار رعایت ساده ترین رفتار انسانی در جنگ و با زندانیان سیاسی بی معنی است. و البته جنایتکارتر از پورمحمدی، خمینی و خامنه ای و رفسنجانی و روحانی و سایر مقاماتی بوده اند و هستند که به او و خلخال و لاجوردی و مشتی قاتل حرفه ای دستور آدمکشی دادند. اما جمهوری اسلامی همین است. قابل بزرگ کردن نیست. این حکومت اعدام و سنگسار و دست بریدن و چشم درآوردن و اسیدپاشی به صورت زنان است.

نکته مهم اما این است که فشار جامعه، سر بلند کردن جنبش های اعتراضی، تحرکی که در دفاع از زندانیان سیاسی شکل گرفته، جنبش دادخواهی، فضای تعرض به سیستم قضایی جمهوری اسلامی و خشم و نفرت عمیق مردم از این حکومت چنان قدرتمند است که گریبان حکومت و جنایتکارانش را رها نخواهد کرد. پورمحمدی ها، رئیس ها و رازینی ها و سایر مقامات ریز و درشت حکومت میدانند و تردیدی ندارند که حکومتشان آینده ای ندارد و در آینده ای نزدیک به جرم جنایات بی شمار علیه مردم، به محاکمه کشیده خواهند شد. صحبت پورمحمدی اعلام شهامت در جنایت نیست، رجزخوانی حکومتی مستاصل و جنایتکار است که از همه طرف خود را تحت فشار جامعه احساس میکند. در چنین فضایی است که یکی درمورد حرمت! زندانیان دستورالعمل صادر میکند، یکی خمینی را عامل جنایات جنگی معرفی میکند، یکی کشتار دهه شصت را توجیه

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ مرداد ۱۳۹۸
۳۱ ژوئیه ۲۰۱۹

کومله در پله آخر منطقه گرائی

حمید تقوایی

کشی تمام و کمال به اردوگاه ناسیونالیسم کرد است.

در مقطع جدائی ناسیونالیستها از کومله زیر پرچم عبدالله مهتدی که نفرت پراکنی علیه منصور حکمت و کمونیسم کارگری را نمایندگی میکرد، منصور حکمت هشدار داد که کومه له اگر نخواهد تماما به منجلاب ناسیونالیسم فرو برود باید در برابر نفرت پراکنی علیه کمونیسم کارگری بایستد و از سابقه حزب کمونیست ایران در دوره قبل از جدائی با سرافراشته دفاع کند. متأسفانه کومله مسیر معکوس را پیمود. روایت تماما جعلی و خودساخته ابراهیم علیزاده از تاریخچه حزب کمونیست ایران منهای منصور حکمت و مارکسیسم

انقلابی، که حدود ۵ سال قبل در سخنرانی در دانشگاه سلیمانیه مطرح کرد، نشانه تداوم خط ناسیونالیستی عبدالله مهتدی در کومله بود. عبدالله مهتدی صفوف حزب کمونیست ایران را ترک کرد ولی خط او بجا ماند و تا امروز ادامه یافته است. امروز دو سازمان کومله زحمتکش عبدالله مهتدی و عمر ایلخانی زاده وارد مذاکره با جمهوری اسلامی شده اند و کومله نیز در صف ایستاده است.

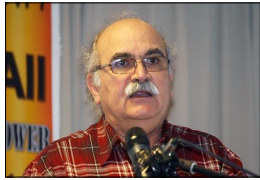
در نگاه اول ممکن است اینطور به نظر برسد که حسابگریهای پراگماتیستی برای ماندن در منطقه و اردوگاه داری زیر سایه احزاب حاکم در کردستان عراق، که روابط حسنه ای با جمهوری اسلامی دارند، و نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه، کومله را وادار کرده است به چنین موضعی در بغلظت. این بخشی از واقعیت هست ولی اساس مساله این نیست.

تا آنجا که به مساله حفظ اردوگاهها مربوط میشود باید یادآوری کنم در مقطع جدائی از حزب کمونیست ایران یک مجادله بر سر همین باقی ماندن در منطقه بود. منصور حکمت معتقد بود بعد از جنگ خلیج باقیمانده رهبری حزب کمونیست ایران در منطقه محدودیتهای غیر قابل قبولی را به ما تحمیل خواهد کرد و از همین رو خواهان انتقال رهبری حزب و کومله به اروپا بود. در مقابل ابراهیم علیزاده و همفکرانش به باقی ماندن در منطقه پا فشاری

در برخورد به مساله مذاکره احزاب ناسیونالیست کرد با جمهوری اسلامی کومله سیاست کجدار و مریز و توجیه گرانه ای را در پیش گرفته است. ابراهیم علیزاده در آخرین مصاحبه اش در این باره، با توجیهاتی نظیر اینکه؛ مذاکره با جمهوری اسلامی اصولاً مردود نیست، کارگران و مردم هم در اعتراضاتشان با رژیم مذاکره میکنند، ما پیش شرطهایی برای مذاکره عنوان کرده ایم و غیره تلاش میکند که به نوعی مذاکره احزاب ناسیونالیست کرد با رژیم را موجه جلوه بدهد.

این صرفاً یک موضعگیری تاکتیکی - دیپلماتیک نیست. مشکل کومه له صرفاً این نیست که از این مذاکرات مطلع بوده است و آنرا از مردم و حتی از بدنه تشکیلات خودش مخفی نگاهداشته است، مشککش حتی صرفاً این نیست که خود از طریق یک نیروی میانجی در تدارک ملاقات و مذاکره با جمهوری اسلامی بوده است. اگر مساله همین بود میشد آنرا به حساب یک لغزش تاکتیکی و یا اشتباه محاسبه گذاشت و امیدوار بود چنین اشتباهی تکرار نشود. بسیاری از منتقدین این موضع گیری کومله به همین سطح بسنده کرده اند. اما چنین نقدی اساس مساله را توضیح نمیدهد.

واقعیت اینست که کومله از نظر جهتگیری و خط و افق عمومی در چهارچوب جنبش ناسیونالیسم کرد و در نقش جناح چپ آن عمل میکند. مساله مذاکره با جمهوری اسلامی را باید در امتداد تشکیل کمیته دیپلماسی مشترک با احزاب اسلامی ناسیونالیستی که حدود دو ماه قبل افشا شد، شرکت در کنگره ملی کرد، رتوش و حذف منصور حکمت و اتحاد مبارزان کمونیست از تاریخچه حزب کمونیست ایران، برخورد مصلحت جویانه با ناسیونالیسم عربان و افراطی ای که بوسیله عبدالله مهتدی نمایندگی میشود و غیره قرار داد. اینها اشتباهات و راست روی های مقطعی و تاکتیکی نیست بلکه بیانگر یک خط و سیاست منسجم برای اسباب

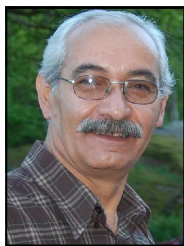


میکردند و حاصل این فشاری را امروز میبینیم.

اما ریشه مساله این نیست. این نوع منطقه گرائی خود نتیجه ناسیونالیسمی است که از اردوگاه داری و حسابگریهای پراگماتیستی بسیار فراتر میرود.

واقعیت آنست که امروز نه ناسیونالیسم کرد و نه کمونیسم در موقعیت جنگ خلیج و یا حتی تهاجم به عراق در ۲۰۰۳ نیستند. نیروهای ناسیونالیست کرد در هر چهار پارچه، بدنیاال تحولاتی که در دو دهه اخیر در منطقه رخ داد، عملاً به ابزار و آلت دست دولتهای منطقه در جنگ قدرت تبدیل شده اند. تاکتیک سنتی "استفاده از شکافهای منطقه ای" بعد از تشکیل دولت اقلیمی به استراتژی نیروهای ناسیونالیستی تبدیل شد. در سطح نظری نیز برای اولین بار ناسیونالیسم کرد در اوجالان و آپوئیسم تئوری و تئورسین ملی خودش را پیدا کرد. تئوری ای که بازی در شکافهای و رقابتهای و تخصصات موجود بین دولتهای منطقه را با تز نفی دولت - ملت و نفی مبارزه برای سرنگونی دولتها تئوریزه میکرد. تجربه سوریه، جنگ کویانی و خودگردانی در کانتوننها، نه صرفاً به آپوئیسم بلکه به بند و بست و ساخت و پاخت با دولت مرکزی، در نزد ناسیونالیستها اعتبار بیشتری داد. ناسیونالیسم سنتی "ملل تحت ستم"، که در دوره جنگ سرد استراتژی خودمختاری و تحقق حق تعیین سرنوشت از طریق اتکا به اردوگاه شوری را دنبال میکرد، حدود یک دهه بعد از فروپاشی دیوار برلین تماما فرو ریخت و هم از لحاظ نظری و هم در عمل، در تئوری و در پراتیک، تماما موضوعیت خود را از دست داد. تا آنجا که به ناسیونالیسم کرد مربوط میشود آپوئیسم این خلاء را پرکرد.

شرایط پس از جنگ سرد تاریخ کمونیسم سنتی قرن بیستمی را نیز پایان رساند. کمونیسم کارگری اساساً با نقد کمونیسم سنتی سر بلند



ناسیونالیسم عظمت طلب فارس است که این برتری طلبی را برای خود قایل است و اعتراف میکند که حتی ناتوان از ارائه سیستمی کارشناسانه برای آموزش زبان مادری است.

با توجه به اینکه سیستم پادشاهی و بعداً حکومت اسلامی هیچ جایگاهی برای آموزش و تدریس زبان مادری قایل نبودند اما بنظر میرسد رضا پهلوی حتی از این دو مقطع تاریخی هم عقبتر است.

انسان امروز در قرن بیست و یک زندگی میکند، رشد و گسترش تکنولوژی دنیای امروز کاری کرده است که دانش آموزان دبستانی در ایران نه از سر سیستم آموزش ارتجاعی و عقب مانده حکومت اسلامی بلکه به یمن وجود تکنولوژی، اینترنت و دیگر دستاوردهای شگفت انگیز در عصر ماهره، زبان انگلیسی آنان از طرز صحبت کردن رضا پهلوی بمراتب بهتر و روانتر است. رضا پهلوی مطمئن باشد که دستاوردهای تکنولوژی امکاناتی فراهم کرده است که نسل جدید، جوانان و نوجوان در ایران تسلطشان به زبان انگلیسی از زبان فارسی بیشتر است و در مراد ایشان به زبان انگلیسی صحبت میکنند. در دنیای زندگی میکیم که دستاوردهای تکنولوژی این دست از سخنان بی مایه را که رضا پهلوی به اعتراف خودش از آن سر در نیامورد و محتاج این است کسی او را ارشاد کند درنوردیده است. مشکل رضا پهلوی صرفاً این نیست که نمیداند سیستم آموزش به زبان مادری را باید چگونه طراحی و راه اندازی کرد بلکه مشکل اصلی او کم رنگ شدن ناسیونالیسم عظمت طلب فارس است.

این اظهارات در چهارچوب مسئله جدایی که رضا پهلوی و ناسیونالیسم فارس آنرا "تجزیه طلبی" مینامند می گنجد اما چون فعلاً شهادت و جسارت تاختن به زبان مادری را هنوز در ظرفیت تاختن به جدایی "تجزیه طلبی" ندارد و با لکتت زبان در موردش سخن میگوید، خود را به نادانی میزند که گویا منطق و اصول سیستم و آموزش زبان مادری را درک نمیکند و آنرا بلد نیست. تازه باید کسی هم پیدا شود تا اصول و منطق توجه به زبان مادری را به او یاد دهد.

چرا رضا پهلوی مخالف آموزش و تدریس زبان مادری است؟

مادری برایش مشخص نیست. اگر دوستان لطف بکنند و او را روشنتر کنند در این مورد خیلی هم ممنون خواهد شد"

کسیکه خواب اداره يك کشور هشتاد میلیونی را می بیند و میخواد کسی پیدا شود تا او را در زمینه اصول و منطق آموزش زبان مادری ارشاد کند، باید چنین آدمی را عمیقاً بی ربط به جامعه امروز ایران و نامربوط به دنیا دانست.

بطور تخصصی از هر معلم ساده ای در کشور پرسید که اصول، منطق، طرح، و سیستم آموزش زبان مادری در کشوری که به زبانهای مختلف سخن میگویند چیست؟ بلافاصله پاسخ خواهد داد، لازم نیست آن دکتری که از کرمانشاه یا تبریز در زاهدان مطب باز کرده است برای فرزندانش مدرسه ای برای آموزش به زبان کردی یا ترکی دایر کند. بلکه در کنار يك زبان رسمی غیر اجباری در سراسر کشور، میشود این امکان را فراهم کرد که آموزش زبان مادری در هر استانی که گویش دیگری دارد، در کنار همان زبان رسمی در مدارس آموزش داده شود. برای مثال اگر زبان رسمی همچون دیگر کشورهای اروپایی انگلیسی است، در کنار همان زبان رسمی آموزش زبان مادری هم ممکن و عملی است. مثال روشنتری بزنم. در مدارس آذربایجان در کنار زبان رسمی کشور، زبان ترکی که زبان مادری است میتواند بعنوان زبان دوم در این منطقه یا استان در سیستم آموزشی قرار گیرد. یا در استان کردستان و کل مناطقی که زبان مادری کردی است، در کنار يك زبان رسمی در کشور زبان کردی بعنوان زبان مادری و زبان دوم تدریس و آموزش داده شود. همانطور که بالاتر اشاره کردم این توجهات بی مایه یعنی کاریکاتور ساختن از آموزش زبان مادری و غیر ممکن کردن آن برای مقدس شمردن زبان فارسی و برای یک تازی ناسیونالیسم بالا دست در تمامی زمینه ها.

اینجا زبانها و گویش های مختلف و حتی زبان فارسی همگی بی تقصیرند، آنچه چیزی که دست انداز و مانع ایجاد میکنند زبانهای مختلف نیستند بلکه تفکر

تحصیل کردن نمیدونم. اینو نمیدونم واقعا تا چه حدی کارشناسی بحث شده دلایلش اصولش منطقی. من در این مورد به مقدار متوجه هنوز نیستم که دقیقاً چیه این پیشنهادهاد و موضعگیری هم نمیکنم. میگم این يك بحثی هست که باید بشه ولی واقعا برای درک خودم کنجکاوم ببینم که چه جور میشه که يك سیستم آموزشی کشور به زبانهای مختلف اجرا بشه و تدریس به زبانهای مختلف برای حفظ اون فرهنگ، به جایی برای من مشخص نیست اگر دوستان لطف بکنید منو روشنتر کنید در این مورد خیلی هم ممنون خواهم بود مرسی"

او نکات بالا را بر بستر پیشنهادی که معلوم نیست پیشنهاد کننده کیست به اظهار نظر حول آن پرداخته است. از آنجا که پیشنهاد کننده همچون شخص یا جمع یا هر گروهی در محفل خود او هنوز هویتش در این سخنان معلوم نیست بنظر میرسد بخشی از طراوشات فکری خود او و اینکه خواسته است در مورد زبان مادری حرفی بزند و ناسیونالیسم عظمت طلب فارس را در حیطه زبان مقدس بشمارد میتوان قلمداد کرد. اما فارغ از این مسئله به خود موضوع بپردازم.

کسی یا شخصی یا سازمان و گروهی تا کنون دچار يك چنین گنج سری نشده است که به اندازه تمام زبانها رایج در ایران و در هر کوچه، محله و شهری بخواهد مدارس زبان مادری مختلف دایر کند. آنچه که رضا پهلوی در مورد آموزش زبان مادری از طرف شخص مجهول الهویه (پیشنهاد دهنده) به آن میپردازد چیزی نیست جز ساختن کاریکاتوری از زبانهای مختلف و نهایتاً تقدیس زبان فارسی و ناسیونالیسم عظمت طلب فارس از سوی خود او. مثالهای ساختگی و جعلی او تاکنون به مخیله حتی مدافعان پروپا قرص تدریس به زبان مادری هم خطور نکرده است چرا که این مثالها تنها در مخیله کسی چون رضا پهلوی میگنجد تا با طرح آنها ضدیت خود با آموزش به زبان مادری را نشان دهد.

رضا پهلوی "تحصیل کرده اروپا" میگوید. "اصول و منطق وجود زبان

عبدل گپریان

اخیراً رضا پهلوی فرزند فرح پهلوی در مورد آموزش زبان مادری اظهار نظر کرده است. ابتدا بهتر است سخنان او را که در يك فایل صوتی منتشر شده و متن کتبی آن در زیر آمده است مروری بکنیم. او میگوید:

"نکته دیگری که برای من سؤال هست دوستان این است که من همچنان منظور از تحصیل به زبان مادری منطق آنرا درک نمیکنم. برای اینکه فرض کنید شما يك کشور چند زبانه ای داشته باشید و یکمرتبه بکن توی این مملکت هر کسی به دلخواه خودش میتونه به زبان خودش درس بخونه، یکی میگه من اسپانیولی زبانم میخوام به اسپانیولی درس بخونم، تو همین آمریکا یکی میگه من چینی هستم میخوام به زبان چینی درس بخونم، یکی میگه من فرانسوی هستم میخوام به زبان فرانسوی درس بخونم. يك نظام سیستم آموزش و پرورش هر کشوری بالاخره زبان يك مملکت زبان کلیدی اون مملکت هست. این به مفهوم این نیست که مثلاً زبان کردی، یا آذری یا عربی از گویش دیگری تدریس نشه توی اون مملکت بعنوان حفظ اون فرهنگ و حفظ اون زبان به اصطلاح قوم یا گویش. اونم نه فقط توی منطقه خودش. بارها من مثال زدم مثلاً شما خانواده ای هستی از کرمانشاه و طرف دکترو و رفته مطبی رو در زاهدان زده یا نه در مشهد زده. خوب اونجا میخواد بگه که من هم میخوام يك کلاس زبان کردی هم برای بچه ام داشته باشم یا اون که اهوازیه میگه من هم میخوام عربی را یاد بگیرم. يك آذری هم میگه من هم میخوام آذری را یاد بگیرم. مثال دارم میزنم. ولی جریان تحصیل بزبان مادری بعنوان سیستم آموزشی سراسری نمیدونم. این تولید يك اشکال خواهد کرد. فردا فرض کنید کسی دیلم گرفته از دانشگاه تبریز ولی به آذری درش رو خونده اون یکی هم دیلمش رو از کرمانشاه گرفته از دانشگاه اونجا ولی به کردی حرف میزنه، یکی از اهواز فردا سه تا معلم از اهواز میخوان يك پل بسازن وسط ایران زبون همدیگر رو نمیتونن بفهمند. چون به زبون خودشون

اگر او و دیگر جریانها و محافل ناسیونالیستهای فارس، کرد، آذری، عرب، بلوچ و غیره با این دست از توجهات بی مایه در مقدس شمردن زبان سراسری یا مقدس شمردن زبان محلی در جهت ایجاد فضای ناسیونالیستی شان مقدمات جداسازی انسانها را فراهم نکنند، معلمان دلسوز، طراحان و افرادی که با دیدگاه انسانی به این مسئله نگاه میکنند میتوانند در ساختار سالم آینده (نه اسلامی و نه پادشاهی) امرشان ارائه يك سیستم آموزش زبان مادری باشد و این ساده ترین مسئله را با استفاده از دستاوردهای علمی و تکنولوژی که در بسیاری از کشورهای اروپایی بویژه در اسکانندیناوی به امر جا افتاده ای تبدیل شده است زیر نظر دولت برآمده از مردم راه اندازی کنند. اما آنچه که بقا و تداوم يك جامعه سالم را در هر زمینه ای و از جمله سیستم و آموزش زبان مادری و در تمامی شئون مختلف زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تضمین میکند تخصص نیست بلکه وجود ساختار و سیستمی است که مبنای آن پاسخگویی در جهت نیازهای يك جامعه آزاد، برابر انسانی و سوسیالیستی باشد که میتواند و قادر است از درون خود متخصص کارآمد در ظرفیت پاسخگویی به نیازهای جامعه ای انسانی را حتی در حیطه آموزش و تدریس زبان مادری هم پرورش دهد.

دستاوردهای تکنولوژی امروز، از هر نظر و مشخصاً از نظر زبان، شکل و شمایل تغییر حروف، اعداد و غیره را بشکل خارق العاده ای دستخوش عظیم ترین تحولات قرار داده است که هر فرد بتنهایی با استفاده از يك دستگاه تلفن همراه میتواند به آنها دسترسی داشته باشد. دستاوردهای تکنولوژی امروز، حتی نسبت به ده سال قبل صدها برابر کار آموزش و تدریس زبان مادری را برای يك سیستم سالم و انسانی در يك کشور چند زبانه

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

تهیه و تنظیم: عزیزه لطفی



صغری خلیلی اهل روستای بیساران از اعدام نجات یافت

دوشنبه چهاردهم مردادماه، صغری خلیلی اهل روستای بیساران از توابع مریوان با پرداخت دیه توسط فعالان مدنی از اعدام رهایی یافت و از زندان آزاد گردید.

او ۳۷ ساله از سال ۹۱ به اتهام قتل عمد به قصاص محکوم و در زندان مرکزی شهرسندرج به سر می برد. خانواده مقتول اعلام کرده بودند که در صورت پرداخت ۳۰۰ میلیون تومان دیه حاضر به رضایت می باشند.

آرام فتحی، فعال مدنی اهل مریوان در این باره در صفحه فیس بوک خود اعلام کرده است: صغری خلیلی اکنون بعد از ۸ سال، توانسته خیابان‌ها را دوباره لمس کند، خانها را، باران و آفتاب را، و کودک چهارساله اش با او از زندان نجات یابد؛ اما با این تعدد که دیگر هرگز پایش را به آبادیشان "بیساران" جایی که آن اتفاق درش افتاد، نگذارد. صغری با کمک و همدلی تک تک شما دوستان و یاران راه انسانیت از مرگ و چوبی دار رهایی یافت.

این فعال مدنی نوشته است: ما با هم می توانیم صغری‌ها و فوزیه جوازی‌ها، جمیله صادقی‌ها، فریده صالحی‌ها را از هر چه بیشتر قربانی شدن این وضعیت نجات دهیم. باشد که در اقدام بعدی، به یاری هم برای نجات جان فوزیه جوازی هم بشتابیم.

لیلا حسین زاده به زندان اوین منتقل شد

لیلا حسین‌زاده، دانشجوی انسان‌شناسی دانشگاه تهران پس از بازداشت در تاریخ ۶ مردادماه، جهت اجرای حکم ۳۰ ماه حبس خود به بند عمومی زندان اوین منتقل شد.

صدیقه مرادی و همسرش مهدی خواص صفت ب رای چندمین بار بازداشت شدند

صدیقه مرادی به همراه همسر خود مهدی خواص صفت، هر دو از زندانیان سیاسی سابق، برای چندمین بار متوالی توسط مأموران امنیتی بازداشت شدند.

صدیقه مرادی در آخرین بازداشت خود پس از تحمل شش سال حبس در پانزدهم ۱۳۹۵ از زندان اوین آزاد شده است. این زوج زندانی دارای یک فرزند نوجوان هستند که هم‌کنون در خانه بدون سرپرست زندگی می‌کند و از هرگونه ملاقات با مادر و پدر خود محروم شده است.

در ۱۶ تیرماه ۹۸ با یورش مأموران وزارت اطلاعات به خانه این زوج و ضبط وسایل شخصی آن‌ها و دخترشان، صدیقه مرادی و مهدی خواص صفت به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده و ممنوع الملاقات هستند.

آن‌ان پیش‌تر با اتهاماتی چون اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام بازداشت شده بودند اما از اتهامات فعلی آن‌ان که منجر به بازداشت مجدد شده، اطلاعی در دست نیست.

برای مادری که تنها آرزوش آزادی فرزندش از زندان است

فرنگیس مظلوم، مادر سهیل عربی را به "جرم" دفاع از فرزندش دستگیر کرده اند. او مادری دلسوز، شجاع و محبوب بین خانواده زندانیان سیاسی، جان باختگان و مردم است.

او سالهاست از بی عدالتیها در حق سهیل و دیگر زندانیان سیاسی میگوید. از زندان فشافویه که آنرا "ته جهنم" نام داد

گفت. از هیچ ترسید و همچون يك مادر که سالها نظاره گر بی عدالتیها و پرونده سازیها علیه پسرش بود، دفاع از او را حق خود میدانست.

سهیل عربی وب لاگ نویسی که تنها "جرمش" دفاع از آزادی بیان است و آنرا از حقوق اولیه شهروندی میدانند. وی را دستگیر کردند، زیر فشارهای بعد از این دستگیری خانواده اش را متلاشی کردند و اینک تحت بدترین شرایط موجود در زندان سلامت بخاطر افتاده است.

فرنگیس مظلوم صدای سهیل بود.

بازداشت مادر زندانی سیاسی بدور از تمام عرفهای جوامع انسانی و مترقی است. در چنین جوامعی دفاع از فرزند نه تنها جرم نیست بلکه از حقوق اولیه شهروندی و انسانی بحساب میآید. ما خانواده زندانیان سیاسی سابق و کنونی حق خود میدانیم از آزادی اعضای خانواده خود که دستگیر و زندانی میشوند دفاع کنیم و یا دادخواه عزیزانمان که به "جرم" دفاع از آزادی و کرامت انسانی جان باختند، باشیم. بعنوان عضوی از جنبش دادخواهی خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط فرنگیس مظلوم هستیم.

را حله راحمی پورخواهر جان باخته حسین راحمی پور و فعال جنبش دادخواهی یازدهم مرداد ۱۳۹۸

حکم ۵۵ سال زندان برای سه فعال مدنی

یاسمن آریایی، منیره عربشاهی و مژگان کشاورز فعالان مدنی در زندان قرچک ورامین، توسط دادگاه انقلاب تهران مجموعاً به ۵۵ سال و شش ماه حبس تعزیری محکوم شدند. حکم این دادگاه با حضور متهمین و بدون حضور وکلا به آنها ابلاغ شده است. از این میزان با استناد به ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، مجازات اشد یعنی ۱۰ سال حبس از بابت اتهام "تشویق و فراهم نمودن موجبات فساد و فحشا" در خصوص هر یک از متهمان قابل اجرا خواهد بود. کیفرخواست پرونده یاسمن آریایی، منیره عربشاهی و مژگان کشاورز، در تاریخ ۵ تیرماه در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به این مخالفان حجاب اجباری ابلاغ شده بود.

روز چهارشنبه ۹ مردادماه ۹۸ رای دادگاه انقلاب تهران مبنی بر محکومیت سه فعال مدنی بازداشتی در زندان قرچک ورامین به متهمین ابلاغ شد.

بر اساس رای شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه یاسمن آریایی منیره عربشاهی و مژگان کشاورز هر کدام به اتهام "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی" به ۵ سال حبس تعزیری، از بابت اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس تعزیری و از بابت اتهام تشویق و فراهم نمودن موجبات فساد و فحشا به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شدند. علاوه بر این اتهامات مژگان کشاورز از بابت اتهام "توهین به مقدسات نیز به ۷ سال و شش ماه حبس تعزیری محکوم شده است.

لازم به ذکر است در صورت قطعی شدن این حکم و با استناد به ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مجازات اشد یعنی ۱۰ سال حبس تعزیری در خصوص هر یک از متهمان قابل اجرا خواهد بود.

امیر رئیسین وکیل مدافع یاسمن آریایی و منیره عربشاهی در این خصوص گفت: در جریان این پرونده، نه در مرحله بازپرسی در دادسرا و نه در جلسات دادگاه به هیچ عنوان اجازه ورود به وکلا داده نشده است

همچنین محمد مقیمی وکیل مدافع مژگان کشاورز ضمن تأیید خبر محکومیت این شهروندان در این خصوص گفت در مرحله دادسرا به استناد ماده ۴۸ و لیست مورد تأیید قوه

قضایه اجازه ورود وکیل انتخابی به پرونده داده نشده و در مراحل بعد نیز علاوه بر اینکه از ورود وکلا جلوگیری شده است جلسات دادگاه بدون اطلاع قبلی و صرفاً با انتقال متهمین به شعبه دادگاه صورت گرفته بود. وی در ارتباط با اتهام توهین به مقدسات مژگان کشاورز گفت مجازات در نظر گرفته شده در قانون مجازات اسلامی در ارتباط با این اتهام ۱ الی ۵ سال بوده که به دلیل تعدد جرائم، به میزان یک دوم اشد مجازات یعنی ۲ سال و نیم به ۵ سال اضافه شده است و بر این اساس مجازات این اتهام در خصوص مژگان کشاورز به ۷ سال و نیم افزایش پیدا کرده است.

یک منبع مطلع در خصوص برگزاری این جلسه دادگاه گفته بود برخورد قاضی مقیسه از ابتدای جلسه با این افراد بسیار نامناسب و توهین آمیز بوده و کیفرخواست را نیز همراه با توهین و فحاشی برای متهمین خوانده است. قاضی مقیسه در جلسه دادگاه متهمین را به صدور احکام سنگین و تحمل حبس در زندان قرچک تهدید کرده و گفته بود به وکیل حق ورود به پرونده را تا پس از صدور حکم و تشکیل دادگاه تجدید نظر نخواهد داد.

زنان در مسابقات لیگ برتر نمی توانند به ورزشگاه بروند

محمدرضا داورزنی، معاون وزیر ورزش درباره حضور زنان در ورزشگاه برای تماشای مسابقات لیگ نوزدهم گفت: "برای حضور زنان در بازی‌های لیگ برتر فوتبال خیلی اعتقادی نداریم و شرایطش برای لیگ مهیا و مناسب نیست اما برای مسابقات ملی بحث دیگری داریم که فدراسیون فوتبال قرار است شرایط را مهیا کند. رئیس فیفا بیشتر طی نامه ای به مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال ایران ضمن ابراز تاسف در خصوص اجرایی نشدن تعهدات حسن روحانی مبنی بر حضور زنان در ورزشگاه ها، از وی درخواست کرده بود که تا قبل از ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۹ مقدمات لازم برای حضور زنان ایرانی و خارجی برای تماشای بازی‌های فوتبال در ایران فراهم شود. این ضرب الاجل طی هفتههای گذشته به پایان رسید و در صورت عدم برداشتن ممنوعیت حضور زنان در ورزشگاه ها ممکن است هر برخوردی با فوتبال ایران صورت بگیرد.

هشدار مجدد نیروی انتظامی در خصوص پوشش سلبریتی‌ها در فضای مجازی

حسین اشتری، فرمانده ناجا، با اعلام اینکه انتشار تصاویر با پوشش‌های مغایر با معیارهای جمهوری اسلامی هنجارشکنی است، گفت که برای ما فرقی ندارد چه کسی هنجارشکنی کند، با همه اعم از هنرمند و بازیگر و سلبریتی برخورد می‌شود.

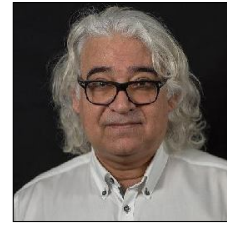
حسین رحیمی، فرمانده انتظامی تهران نیز پیشتر در این زمینه به سلبریتی‌ها هشدار داده بود.

ورود به حریم خصوصی شهروندان و مداخله در امور فردی آنان از جمله انتقاداتی است که به نظام قضایی و انتظامی جمهوری اسلامی وارد است.*



اعدام برای "حفظ نظام"

حسن صالحی



اخیراً "ژنرال" خبرنگار بی سی فیلمی ساخته است در باره پرونده متهمین به قتل دانشمندان هسته ای در ایران. در این فیلم او با "مازیار ابراهیمی"، یکی از این متهمین، که در حال حاضر در آلمان زندگی می کند مصاحبه کرده است. مازیار ابراهیمی می گوید که از میان ۱۳ نفری که در به اصطلاح مستند تلویزیون جمهوری اسلامی به اسم "گلوب" در سال ۹۱ بعنوان "جاسوس اسرائیل" و عاملین این قتل ها معرفی شدند همه بجز یک نفر از زندان آزاده شده اند.

می دهد. بعد از آن سعی می کنند از آنها دلجویی کنند ولی به خاطر اینکه گند ماجرا در نیاید ۲۶ ماه دیگر آنها را در زندان نگه می دارند.

مازیار ابراهیمی می گوید پس از آزادی به نزد قاضی شهریار می رود تا از وزارت اطلاعات و صدا و سیما و چند رسانه دیگر شکایت کند و آنوقت قاضی در جواب می گوید: "برو خدا رو شکر کن که زنده ای. خدا شاهدش باشد در دفتر من رو در آوردن که چندتا از شما که اعتراف کرده اید را اعدام کنم برای خوشحالی خانواده شهدا و حفظ آبروی نظام".

سرنوشت تکاندننده مازیار ابراهیمی و دیگر متهمین قتل دانشمندان ایرانی که بی گناه دستگیر شدند و مورد انواع و اقسام شکنجه های وحشیانه قرار گرفتند نشان می دهد که این رژیم برای "حفظ نظام" دست به هر جنایتی می زند. مردم همه برای دفاع از شان و منزلت انسانی خود حقیقتاً چاره دیگری ندارند جز اینکه رژیم را با بساط اعدام و شکنجه و زندان و دستگاه آدمکشی اش به گور سپارند.

۱۴ مرداد ۹۸

از صفحه ۳ کومه در پله آخر ...

کرد و در برابر "نظم نوین جهانی" بورژوازی افسار گسیخته ایستاد. نگرش و خط سیاسی و مواضع کمونیسم کارگری در برخورد به بسیاری از مسائل، از جمله ستم ملی و مساله ملی، از چپ سنتی کاملاً متفاوت بود. منصور حکمت با نقد حق تعیین سرنوشت و خودمختاری و فدرالیسم به استقبال مقابله با ناسیونالیسمی رفت که امروز در عراق و ترکیه و سوریه سربلند کرده است و آشخور نظری اش را اساساً آپوئیسم تشکیل میدهد.

پژاک و کودار نماینده آپوئیسم در ایران هستند اما احزاب سنتی ناسیونالیستی نیز عملاً همین خط را دنبال میکنند. مساله صرفاً نفوذ نظری اوجالان نیست، بلکه عامل مهمتر تجربه ظاهراً "موفق" احزاب ناسیونالیست کرد عراق و سوریه و حساب باز کردن روی دولتهای منطقه، و شرکت در بلوکبندی متشکل از دو قطب آمریکا و روسیه در منطقه است.

در دستور قرار گرفتن مذاکره با جمهوری اسلامی اساساً در این چهارچوب مطرح میشود و برای احزاب و نیروهای ناسیونالیست موضوعیت پیدا میکند. کومه هم در همین زمین بازی میکند. تمام تاکیدات ابراهیم علیزاده د مبنی بر دخالتگر بودن و اجتماعی بودن و مسئول بودن در برابر مردم کردستان و غیره روایت ظاهراً چپ و ناشیانه ای از همان بازیها و جست و

خیزهای سننتی نیروهای ناسیونالیست کرد در شکاف بین دولتها است. امروز دیگر این شکافها منطقه ای باقی نمانده است بلکه بعد از جنگ خلیج، بویژه بدنبال تهاجم ۲۰۰۳ به عراق، ابعادی جهانی یافته است. امروز علاوه بر دولتهای "چهار پارچه"، آمریکا و روسیه و عربستان سعودی و نیروهای اسلامی نیز مستقیم و غیر مستقیم در این بازی دخیل اند. بدنبال همین خط و استراتژی است که ناسیونالیسم منشعب از کومه له، دو حزب زحمتکشان عبدالله مهتدی و عمر ایلخانی زاده، تا کاخ سفید به پیش رفته اند.

برای کومه له نیز مطرح شدن و جا باز کردن مذاکرات با جمهوری اسلامی و توجیهاتش در این مورد در یک سطح پایه ای در نگرش و افق و فضای سیاسی ای ریشه دارد که تجربه عراق و سوریه و کردایتی و منطقه گرائی نوع اوجالانی در منطقه ایجاد کرده است.

اما شرایط سیاسی ایران اساساً و کیفیتاً از شرایط سوریه و ترکیه و عراق متفاوت است. در ایران آپوئیسم عملاً بجز تبدیل شدن به زانده جمهوری اسلامی و حداکثر کسب موقعیتی شبیه نیروهای دو خردادی و استحاله چی، معنائی ندارد. ایران سوریه و عراق نیست که ناسیونالیستهای کرد بتوانند حسابشان را از مبارزه دیگر بخشهای جامعه جدا کنند و با بند و بست با دولت مرکزی سهمی در

قدرت مناطق کردنشین بدست بیاورند. مبارزه مردم، کارگران و زنان و جوانان و دیگر بخشهای متعرض جامعه چنان با مبارزات سراسری مردم ایران بهم تنیده است که هر نوع تلاشی برای جدا کردن سرنوشت مردم کردستان از بقیه ایران و دنبال کردن سناریوهائی نظیر عراق و سوریه عملاً به رسوائی و انزوا و طرد نیروهای متوهم به این سناریوها منجر خواهد شد.

با اینهمه روشن است شکست ناسیونالیسم خود بخود حاصل نمیشود. کارگران و توده مردم سرنگونی طلب در کردستان به نمایندگی و حزبی نیاز دارند که بیانگر گرایش عمیق آزادیخواهانه و برابری طلبانه آنان باشد، بر همسرنوشتی و همزیمی آنان با مردم سراسر ایران تاکید کند و مبارزات گسترده بخشهای مختلف جامعه در کردستان را بعنوان سنگر مهمی از مبارزات سراسری مردم ایران برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی سازمان بدهد و رهبری کند.

ایفای این نقش بدون نقد ناسیونالیسم در تمام اشکال بروز آن و بویژه آپوئیسم، و بدون نقد عمیق فدرالیسم و منطقه گرائی و قومی گرائی پست مدرنیستی ممکن نیست. حزب کمونیست کارگری این پرچم را برافراشته است و همه فعالین کمونیست را به مبارزه در این راه فرامیخواند.*

این مطلب پیشتر در انترناسیونال ۸۲۷ منتشر شده است

از صفحه ۴ چرا رضا پهلوی مخالف ...

بمراتب ساده کرده است. در ایرانی بدون ارتجاع اسلامی و بدور از ناسیونالیسم عظمت طلب فارس، کرد، عرب، ترک و غیره، آموزش و تدریس زبان مادری در کنار یک زبان رسمی و اداری میتواند همچون بسیاری از کشورهای غربی در ساختار و سیستم آموزش کشور جاگیر شود و اجازه ندهد که چنین اظهارات بی مایه ای مردم را بر اساس زبان تقسیم بندی کند و آنان را بر بستر مسئله زبان به جان همدیگر بیندازد.

چیزی بنام زبان رسمی اجباری نباید در آینده بعد از سرنگونی رژیم

اسلامی وجود داشته باشد بلکه دولت برآمده از انقلاب مردم میتواند یک زبان از زبان های رایج در کشور را بعنوان زبان اداری و آموزشی اصلی تعیین نماید، مشروط بر اینکه امکانات و تسهیلات لازم برای متکلمین به سایر زبانها، در زمینه های زندگی سیاسی و اجتماعی و آموزشی، وجود داشته باشد و حق هر کس به اینکه بتواند به زبان مادری خویش در کلیه فعالیت های اجتماعی شرکت کند و از کلیه امکانات اجتماعی مورد استفاده همگان بهره مند شود محفوظ باشد. و به منظور کمک به پایان دادن

به عقب ماندگی جامعه از صف مقدم پیشرفت علمی و صنعتی و فرهنگی در جهان امروز و برای کمک به بهره مند شدن توده مردم ایران از مواهب این پیشرفت ها و امکان شرکت مستقیم تر و فعالانه تر آنها در حیات علمی و فرهنگی جهان معاصر، الفبای رسمی زبان فارسی باید طی یک برنامه سنجیده به الفبای لاتین تغییر کند و بالاخره زبان انگلیسی، با هدف تبدیل گام به گام آن به یک زبان آموزشی و اداری متداول در کشور، از سنین پائین در مدارس آموزش داده شود.

۱۲ مرداد ۹۸

۳ اوت ۲۰۱۹

اطلاعیه های خبری حزب

وکالی دستگیر شدگان هفت تپه:
دادگاهتان را علنی برگزار کنید

جمهوری اسلامی میخواهد اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و دیگر دستگیر شدگان مرتبط با نیشکر هفت تپه را روز ۱۲ مرداد دادگاهی کند. روشن است که با معیارهای شناخته شده بشر متمدن دادگاهی در کار نیست. قرار است یک طرفه و مخفیانه آنها را به محاکمه بکشند و اتهامات ساختگی ای را به آنها منتسب کنند و به زندانی کردن آنها رسمیت دهند و آنها را محکوم کنند. اسماعیل بخشی رهبر اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه حرفهایش را روشن در برابر مردم زده است و همه میدانند که چه گفته است و چه خواسته است. او از حقوق پایه ای و انسانی کارگران در برابر چپاولگران حاکم دفاع کرده است. او به یکه تازی حاکمین سرکوبگر اعتراض کرده و از اداره شورایی دفاع کرده است. او غارت دسترنج کارگران توسط مافیای سرمایه داری را محکوم کرده است. او خواهان زندگی انسانی برای کارگران هفت تپه و همه کارگران و مردم شده است. اینها و امثال اینها گناه او در پیشگاه "عدالت" حاکمین است. به همین گناه چندین ماه است که در زندان زیر فشار شدید قرار دارد. سپیده قلیان دختر جوانی است که از کارگران نیشکر هفت تپه و خواستهای آنها حمایت کرده است. او به صدای میلیونها مردم ایران که قلبشان با نیشکر هفت تپه و اسماعیل بخشی است تبدیل شده است. او را نیز در زندان و در شرایطی غیر انسانی نگه داشته اند. ساناز الهیاری و امیر امیرقلی و امیر حسین محمدی فرد هم به جرم دفاع از کارگران نیشکر هفت تپه دستگیر شده اند. گناه آنها نیز همان است که به ستمگری مافیای حاکم علیه کارگران و مردم اعتراض کرده اند. اکنون حکومت اسلامی میخواهد این انسانهای شریف را در دادگاه "عدل" حاکمین محاکمه و محکوم کند.

وکالی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان خانم فرزانه زیلابی و آقای جمال الدین حیدری منش در اعلامیه ای خطاب به حکومت اعلام کرده اند که شما در یک برنامه یک سویه تحت نام "طراحی سوخته" که از صدا و سیما حکومت پخش شده به موکلین ما اتهامات زیادی زده اید. و قانون خودتان هم میگوید دادگاه باید علنی باشد. پس بگذارید دادگاه علنی برگزار شود تا جامعه ببیند که آنها چه کرده اند و شما چه کرده اید. این جوهر کلام این دو وکیل است. روشن است که حکومت اسلامی جرات برگزاری علنی دادگاه کذائیش را ندارد. چه چیزی دارند علیه اسماعیل بخشی و سپیده قلیان بگویند جز همان اراجیف مضحکی که در "طراحی سوخته" کذایی شان یافتند و نفرت مردم را علیه خود بیشتر کردند؟ چه چیزی دارند بگویند جز اینکه دفاع از انسانیت و کارگر در زیر حاکمیت مافیای چپاولگر حاکم جرم و گناه است؟ نمایندگان و مدافعان حکومت اسلامی یک جمله قابل قبول در دفاع از دستگیری این انسانهای شریف ندارند که علنا بیان کنند. جز همان اراجیف نفرت انگیزی که قبلا گفته اند و با اعتراض عمومی مواجه شده اند. اما نفس گفتن دادگاههای علنی یک گفتن مهم و تعرضی دیگر به سیاست سرکوب و بگیر و بنند و توطئه گریهای پشت پرده حکومت است و باید از آن حمایت کرد و آنرا بازتاب و گسترش

داد.

هفت تپه امروز يك جنبش انسانی بالنده است. هفت تپه صدای طبقه کارگر آگاه و اداره شورایی و حق طلبی کارگری است. هفت تپه برای حکومت اسلامی به معضلی کشنده تبدیل شده است. با زندان و شکنجه و فشار بر اسماعیل بخشی و علی نجاتی و سپیده قلیان و نویسندگان نشریه گام، و محاکمه و محکوم کردن آنها قطعا خشم و نفرت کارگران و فشار هفت تپه بر حکومتیان شدت بیشتری خواهد یافت. خلاصی از هفت تپه و جنبشی که با نام اسماعیل بخشی عجین شده است، برای این حکومت و ایادی و قضات و پاسداران و سران منفوروش ممکن نیست. با اعتراضات نیشکر هفت تپه و سخنان آتشین اسماعیل بخشی چهره ضد کارگری و ضد انسانی و چپاولگر جمهوری اسلامی بیش از پیش برای دنیا روشن و شناخته شد و مورد اعتراض قرار گرفت. و نه فقط این، يك جنبش و يك همبستگی فعال و رادیکال و انسانی با کارگران ایران در سطح جهان شکل گرفته و هرروز ابعاد وسیعتری به خود میگیرد.

این جنبش گلوی جمهوری اسلامی را گرفته است و بر آزادی همه دستگیر شدگان هفت تپه و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی تاکید دارد. حکومت اسلامی با زندانی کردن دستگیر شدگان هفت تپه نتوانسته است صدای هفت تپه و مردم معترض را خاموش کند و برعکس بیش از پیش زیر فشار اعتراضات در داخل ایران و در سطح جهان قرار دارد و در عین حال جرات آزاد کردن دستگیر شدگان را هم ندارد زیرا با آزادی دستگیر شدگان هفت تپه شکست کامل خود را می بیند. به همین دلیل است که بخود می پیچد و راهی برای خلاصی از این معضل پیدا نمیکند.

کارزارهای متعددی در دفاع از اسماعیل بخشی و برای آزادی همه دستگیر شدگان هفت تپه جریان دارد. گفتن اداره شورایی که اسماعیل بخشی بر آن تاکید کرد بازتاب اجتماعی وسیعی پیدا کرده است. خواست دادگاه علنی برای دستگیر شدگان پژواک گسترده ای پیدا کرده است. این گفتن ها و کارزارها و جنبش آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و دیگر دستگیر شدگان هفت تپه و دفاع از خواستهای کارگران نیشکر هفت تپه را باید هرچه بیشتر و فعالانه تر در داخل کشور و در سطح جهان گسترش داد. باید با گسترش جنبش هفت تپه کاری کرد که جمهوری اسلامی ناچار شود از تشدید فشار بر دستگیر شدگان هفت تپه و کل زندانیان سیاسی دست بردارد. تردیدی نباید داشت که در فضای اعتراضی جامعه میتوان با کمپینهای دفاع از دستگیر شدگان هفت تپه آنچنان فشاری بر حکومت گذاشت که ناچار شود اسماعیل بخشی و همه دستگیر شدگان را بدون و قید و شرط آزاد کند و جنبش آزادی زندانیان سیاسی يك گام اساسی به جلو بردارد.

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

پیش به سوی تشکیل شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ مرداد ۱۳۹۸، ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۹

**بیدادگاه اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و دیگر
حامیان نیشکر هفت تپه برگزار شد
تعدادی از کارگران نیشکر هفت تپه و دوستداران
بازداشت شدگان در محل حاضر شدند**

روز ۱۲ مرداد ساعت ۱۰ صبح طبق اعلام قبلی بیدادگاه اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه، سپیده قلیان خبرنگار جوانی که جرمش صحه گذاشتن بر کیفرخواست اسماعیل بخشی علیه شکنجه و زندان و دفاع از مبارزات این کارگران بود و دیگر حامیان کارگران هفت تپه شروع شد. این محاکمات در شعبه ۲۸ دادگاه جمهوری اسلامی در تهران به ریاست قاضی جنایتکار مقیسه انجام گرفت.

بنا بر خبرها ساعت یک ربع به ده صبح امروز ۱۲ مرداد بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه با يك دستگاه ماشين ون به دادگاه انقلاب اسلامی انتقال داده شدند تا آنها را پشت درهای بسته به جرم برهم برهم زندگان نظم وحشی سرمایه داری شان به محاکمه بکشانند.

همزمان با برگزاری دادگاه، خانواده های زندانیان در مقابل دادگاه تجمع کرده بودند که تعدادی از نیروهای لباس شخصی با مراجعه به آنان و کنترل مدارك، دو دانشجو به اسامی رهام یگانه و هیراد پیربدایی را دستگیر کرده و آنها را به پلیس امنیت انتقال دادند.

در این روز تعدادی از دوستان و حامیان دستگیر شدگان هفت تپه نیز در همراهی با خانواده های بازداشت شدگان به محل تشکیل دادگاه خیابان فیاض بخش نبش معلم آمده بودند. در میان حاضرین در این تجمع چندین نفر از کارگران نیشکر هفت تپه بودند که به نمایندگی از دیگر همکارانشان خود را به تهران رسانده بودند تا در اعتراض به این بیدادگاه که در آن قرار است انسانیت به محاکمه کشیده شود، با اسماعیل بخشی و فریاد رسایش برای کار، نان، کار، آزادی، اداره شورایی همصدا باشند.

حضور نیروهای انتظامی و امنیتی در محل چشمگیر بود و در هراس از جمع شدن مردم و بلند شدن صدای آزادیخواهی پیاده روهای دو طرف خیابان معلم را بسته و جمعیت را متفرق میکردند و به کسی جز خانواده بازداشت شدگان اجازه ورود نمیدادند. فرید لطف آبادی از فعالین دانشجویی یکی دیگر از دستگیر شدگان این روز بود.

از قبل فراخوانهایی برای برپایی این تجمع و پیوستن به خانواده های این عزیزان و در حمایت از بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه داده شده بود. همچنین بیانیه های بسیاری در محکومیت این بیدادگاه از سوی کارگران و نهادهای بازنشستگان و فعالین اجتماعی داده شده بود و وکالی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان خواستار دادگاهی علنی شده بودند.

اسماعیل بخشی و کارگران هفت تپه در قلب همه کارگران و مردم شریف جای دارند و جمهوری اسلامی با زندانی کردن و محاکمه آنان در دادگاههای کذائیش نفرت همه مردم را علیه موجودیت کثیف خویش بیشتر و بیشتر میکند. این کارگران و همه زندانیان سیاسی را با انقلاب خویش آزاد خواهیم کرد. سه دانشجوی دستگیر شده امروز باید فوراً آزاد شوند.

نابود باد جمهوری اسلامی

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ مرداد ۹۸، ۱۳۹۷، ۳ اوت ۲۰۱۹

پیش به سوی ایجاد شوراها کارگری

اطلاعیه ها...

دادگاه بازداشت شدگان هفت تپه متشنج شد و به روز ۱۲ مرداد موکول شد

روز ۱۲ مرداد دادگاه زندانیان هفت تپه با حضور اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، علی نجاتی، محمد حنیفر، امیر حسین محمندی فرد، ساناز الهیاری و غسل محمندی در شعبه ۲۸ در تهران برگزار شد. امیر امیرقلی با اعلام وکلایش مبنی بر عدم آمادگی وی در دادگاه حضور نداشت. در این دادگاه بدنبال قرائت کیفرخواست بازداشتی ها، نفرت با بیرون هدایت شدند. سپس اسماعیل بخشی به عنوان اولین متهم برای دفاع از خود به دادگاه رفت.

دادگاه اسماعیل بخشی و دیگر بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه و اتفاقاتی که در آن روز داد نشان دیگری از استیصال حکومت اسلامی در برابر این پرونده، مبارزات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه و فضای اعتراضی جامعه است. حمایت گسترده از بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه و موج حمایت های وسیع جهانی، ولوله ای که دادگاهی شدن آنها ایجاد کرد و فراخوانی که برای شرکت در مقابل دادگاه داده شده بود، باعث شد که جانین نتوانند برای چند لحظه نیز به ژست نمایشی برپایی دادگاه شان ادامه دهند. بنا بر گزارش سندیکای نیشکر هفت تپه قاضی مقسیه جنایتکار از همان ابتدا به اسماعیل بخشی توهین کرد که مورد اعتراض اسماعیل بخشی و وکیل او قرار گرفت و قاضی مقیسسه کنترل خود را از دست داد و به وکیل اسماعیل بخشی نیز با الفاظ توهین آمیزی برخورد کرد و این تشنج به توقف دادگاه منجر شد.

به دیگر بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه نیز ابلاغ شد که دادگاه خاتمه یافته و زمان جلسه بعدی آن متعاقبا اعلام خواهد شد. ادامه دادگاه اسماعیل بخشی و غسل محمندی نیز به ۱۳ مرداد در همان شعبه ۲۸ موکول گردید. غسل محمندی امروز در جلسه دادگاهش در ارتباط با پرونده بازداشتی های هفت تپه بازداشت و روانه زندان شد.

در بخشی از اطلاعیه سندیکای نیشکر هفت تپه در رابطه با این دادگاه چنین آمده است: "همکاران عزیز این دادگاه در واقع اسماعیل بخشی را به نمایندگی از همه ما کارگران هفت تپه محاکمه می کند. اسماعیل تنها در اعتراض به حقوق های معوقه همه ما و از بین رفتن شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه محاکمه می شود."

سندیکای نیشکر هفت تپه همچون وکلای اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و همگان بر اصل علنی بودن دادگاه و حق حضور سایر اشخاص و خانواده های متهمین و خبرنگاران در جلسه تاکید کرد.

در این روز حضور خانواده ها و فعالین کارگری در مقابل دادگاه در تهران چشمگیر بود. تعدادی از کارگران نیشکر هفت تپه نیز به نمایندگی از همکارانشان و در دفاع از رهبر محبوبشان بخشی و دیگر عزیزانی که به جرم حمایت از مبارزات آنان بازداشت و دادگاهی شده اند، در محل حضور داشتند.

نیروی انتظامی و لباس شخصی ها که در محل حضور داشتند از ترس گسترش دامنه تجمع در مقابل دادگاه، با تجمع کنندگان درگیر شده و آنها را متفرق می کردند و از پیوستن دیگران به آنان ممانعت می کردند. بر اساس آخرین خبرها در این روز ۶ نفر بازداشت شدند. رهام یگانه، هیراد پیریداقی و فرید لطف آبادی در شعبه ۷ بازپرسی "اخلال در نظم عمومی" تفهیم

اتهام شده و به پلیس امنیت واقع در میدان آرژانتین بازگردانده شدند و اعلام شد که صبح امروز ۱۳ مرداد به به دادرسی اوین منتقل خواهند شد.

اسماعیل بخشی، کلیه بازداشت شدگان هفت تپه و دستگیرشدگان روز گذشته باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند.

پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ مرداد ۱۳۹۸، ۴ اوت ۲۰۱۹

وکلاي دستگیر شدگان هفت تپه: دادگاهتان را علنی برگزار کنید

جمهوری اسلامی میخواید اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و دیگر دستگیر شدگان مرتبط با نیشکر هفت تپه را روز ۱۲ مرداد دادگاهی کند. روشن است که با معیارهای شناخته شده بشر متمن دادگاهی در کار نیست. قرار است يك طرفه و مخفیانه آنها را به محاکمه بکشند و اتهامات ساختگی ای را به آنها منتسب کنند و به زندانی کردن آنها رسمیت دهند و آنها را محکوم کنند. اسماعیل بخشی رهبر اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه حرفهایش را روشن در برابر مردم زده است و همه میدانند که چه گفته است و چه خواسته است. او از حقوق پایه ای و انسانی کارگران در برابر چپاولگران حاکم دفاع کرده است. او به یکه تازی حاکمین سرکوبگر اعتراض کرده و از اداره شورایی دفاع کرده است. او غارت دسترنج کارگران توسط مافیای سرمایه داری را محکوم کرده است. او خواهان زندگی انسانی برای کارگران هفت تپه و همه کارگران و مردم شده است. اینها و امثال اینها گناه او در پیشگاه "عدالت" حاکمین است. به همین گناه چندین ماه است که در زندان زیر فشار شدید قرار دارد. سپیده قلیان دختر جوانی است که از کارگران نیشکر هفت تپه و خواستهای آنها حمایت کرده است. او به صدای میلیونها مردم ایران که قلبشان با نیشکر هفت تپه و اسماعیل بخشی است تبدیل شده است. او را نیز در زندان و در شرایطی غیر انسانی نگه داشته اند. ساناز الهیاری و امیر امیرقلی و امیر حسین محمندی فرد هم به جرم دفاع از کارگران نیشکر هفت تپه دستگیر شده اند. گناه آنها نیز همان است که به ستمگری مافیای حاکم علیه کارگران و مردم اعتراض کرده اند. اکنون حکومت اسلامی میخواید این انسانهای شریف را در دادگاه "عدل" محاکمه و محکوم کند.

وکلاي اسماعیل بخشی و سپیده قلیان خانم فرزانه زبیلایی و آقای جمال الدین حیدری منش در اعلامیه ای خطاب به حکومت اعلام کرده اند که شما در يك برنامه يك سويه تحت نام "طراحی سوخته" که از صدا و سیماي حکومت پخش شده به موکلین ما اتهامات زیادی زده اید. و قانون خودتان هم میگوید دادگاه باید علنی باشد. پس بگذارید دادگاه علنی برگزار شود تا جامعه ببیند که آنها چه کرده اند و شما چه کرده اید. این جوهر کلام این دو وکیل است. روشن است که حکومت اسلامی جرات برگزاری علنی دادگاه کناییش را ندارد. چه چیزی دارند علیه اسماعیل بخشی و سپیده قلیان بگویند جز همان اراجیف مضحکی که در "طراحی سوخته" کناییش شان یافتند و نفرت مردم را علیه خود بیشتر کردند؟ چه چیزی دارند بگویند جز اینکه دفاع از انسانیت و کارگر در زیر حاکمیت مافیای چپاولگر حاکم جرم و گناه است؟ نمایندگان و مدافعان حکومت اسلامی يك جمله قابل قبول در دفاع از دستگیری این انسانهای شریف ندارند که علناً بیان کنند. جز همان اراجیف نفرت انگیزی که قبلاً گفته اند و با اعتراض عمومی مواجه شده اند. اما نفس گفتمان دادگاههای علنی يك گفتمان مهم و تعرضی دیگر به سیاست سرکوب و بگیر و ببند و توطئه گریهای پشت پرده

حکومت است و باید از ان حمایت کرد و آنرا بازتاب و گسترش داد.

هفت تپه امروز يك جنبش انسانی بالنده است. هفت تپه صدای طبقه کارگر آگاه و اداره شورایی و حق طلبی کارگری است. هفت تپه برای حکومت اسلامی به معضلی کشنده تبدیل شده است. با زندان و شکنجه و فشار بر اسماعیل بخشی و علی نجاتی و سپیده قلیان و نویسندگان نشریه گام، و محاکمه و محکوم کردن آنها قطعاً خشم و نفرت کارگران و فشار هفت تپه بر حکومتیان شدت بیشتری خواهد یافت. خلاصی از هفت تپه و جنبشی که با نام اسماعیل بخشی عجین شده است، برای این حکومت و ایادی و قضاات و پاسداران و سران منفورش ممکن نیست. با اعتراضات نیشکر هفت تپه و سخنان آتشین اسماعیل بخشی چهره ضد کارگری و ضد انسانی و چپاولگر جمهوری اسلامی بیش از پیش برای دنیا روشن و شناخته شد و مورد اعتراض قرار گرفت. و نه فقط این، يك جنبش و يك همبستگی فعال و رادیکال و انسانی با کارگران ایران در سطح جهان شکل گرفته و هرروز ابعاد وسیعتری به خود میگیرد.

این جنبش گلوی جمهوری اسلامی را گرفته است و بر آزادی همه دستگیر شدگان هفت تپه و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی تاکید دارد. حکومت اسلامی با زندانی کردن دستگیر شدگان هفت تپه نتوانسته است صدای هفت تپه و مردم معترض را خاموش کند و برعکس بیش از پیش زیر فشار اعتراضات در داخل ایران و در سطح جهان قرار دارد و در عین حال جرات آزاد کردن دستگیر شدگان را هم ندارد زیرا با آزادی دستگیر شدگان هفت تپه شکست کامل خود را می بیند. به همین دلیل است که بخود می پیچد و راهی برای خلاصی از این معضل پیدا نمیکند.

کارزارهای متعددی در دفاع از اسماعیل بخشی و برای آزادی همه دستگیر شدگان هفت تپه جریان دارد. گفتمان اداره شورایی که اسماعیل بخشی بر آن تاکید کرد بازتاب اجتماعی وسیعی پیدا کرده است. خواست دادگاه علنی برای دستگیر شدگان پژواک گسترده ای پیدا کرده است. این گفتمان ها و کارزارها و جنبش آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و دیگر دستگیر شدگان هفت تپه و دفاع از خواستهای کارگران نیشکر هفت تپه را باید هرچه بیشتر و فعالانه تر در داخل کشور و در سطح جهان گسترش داد. باید با گسترش جنبش هفت تپه کاری کرد که جمهوری اسلامی ناچار شود از تشدید فشار بر دستگیر شدگان هفت تپه و کل زندانیان سیاسی دست بر دارد. تردیدی نباید داشت که در فضای اعتراضی جامعه میتوان با کمپینهای دفاع از دستگیر شدگان هفت تپه آنچنان فشاری بر حکومت گذاشت که ناچار شود اسماعیل بخشی و همه دستگیر شدگان را بدون و قید و شرط آزاد کند و جنبش آزادی زندانیان سیاسی يك گام اساسی به جلو بردارد.

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

پیش به سوی تشکیل شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ مرداد ۱۳۹۸

۳۱ ژوئیه ۲۰۱۹

تجمع معلمان حق التدریس،

پرستاران مشهد و چند خبر اعتراضی کارگری

تجمع اعتراضی معلمان حق التدریس

روز ۱۳ مرداد هزار معلم حق التدریسی از سراسر کشور در اعتراض به بلا تکلیفی وضعیت کاری خود در مقابل آموزش و پرورش دست به تجمع زدند. تجمع کنندگان خواهان استخدام

از صفحه ۸ اطلاعیه ها...

خود در آموزش و پرورش شدند. معلمان حق التدریس در رابطه با این موضوع تجمعات بسیاری برپا کرده و با مبارزات خود توانسته بودند که حق استخدام را به دولت تحمیل کنند.

تجمع اعتراضی پرستاران در مشهد صبح روز ۱۲ مرداد جمعی از پرستاران در مشهد در اعتراض به وضعیت نابسامان شغلی و سطح نازل حقوقهایشان در مقابل استانداری تجمع کردند.

پرستاران به کاهش شدید و حتی منفی کارانه‌هایی که بر اساس طرحی تحت عنوان طرح قاصدک محاسبه می‌شود و تبعیض‌ها و عدم اجرای قانون تعرفه‌گذاری و قانون بهره‌وری و مشاغل سخت اعتراض دارند. به گفته آنان ۱۲ سال از تصویب این قوانین گذشته و هنوز اجرایی نشده است.

اعتصاب نیروهای فاز ۱۴ عسلویه صبح روز ۱۲ مرداد جمعی از نیروهای فاز ۱۴ عسلویه در اعتراض به عدم دریافت شش ماه حقوق خود، دست به اعتصاب زدند.

تجمع اعتراضی کارگران کنترل‌سازی قزوین روز ۱۲ مرداد جمعی از کارگران کنترل‌سازی قزوین در اعتراض به عدم دریافت مطالبات مزدی خود، مقابل استانداری قزوین تجمع کردند.

موفقیت کارگران شهرداری منجیل در دریافت بخشی از طلبهای خود

روز ۱۲ مرداد کارگران شهرداری منجیل بدنبال تجمعات اعتراضی خود توانستند مابه‌التفاوت حقوق فروردین و اردیبهشت خود را بعد از سه ماه تاخیر دریافت کنند. گفته می‌شود که در حال حاضر این کارگران غیر از دو ماهه مزد پرداخت نشده ماه‌های خرداد و تیر، بابت عیدی سال ۹۷ و اضافه‌کاری‌های سال ۹۸ هنوز از کارفرما طلبکارند. در عین حال از حدود یک سال پیش حق سنوات آنها پرداخت نشده است. کارگران شاغل در شهرداری منجیل قراردادی است و هر یک الی دو ماه یکبار تمدید می‌شود. یک موضوع اعتراض این کارگران عدم امنیت شغلی است. به دنبال تجمع ۲۲ تیر امسال، یکی از همکاران خدماتی آنها از کار اخراج شد که با اعتراض کارگران بعد از یک هفته بلاتکلیفی به کارش بازگشت.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ مرداد ۱۳۹۸، ۴ اوت ۲۰۱۹

ششمین روز اعتصاب کارگران راه آهن

روز ۱۱ مرداد اعتصاب کارگران نگهداری خطوط و ابنیه فنی راه آهن در شهرهای مختلف از جمله در بندرعباس، احمد آباد، هرمزگان، نورآباد شازند برای چندمین روز متوالی ادامه داشت. این اعتصابات در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه دستمزد و قراردادهای برده وار موقت کاری است. این کارگران پیشتر نیز در رابطه با همین موضوعات و خواست استخدام رسمی خود تجمعات اعتراضی داشته اند. بر اساس گزارشات

کارگران راه آهن احمدآباد برای ششمین روز دست از کار کشیده و بر خواسته‌هایشان تاکید کردند. کارگران راه آهن هرمزگان نیز در مقابل فرمانداری شهر تجمع داشتند. این کارگران از سوی مدیریت تراورس و مدیران شرکت تهدید شده اند که اگر به اعتصابات ادامه دهد اخراج و تسویه حساب خواهند شد. اما اعتصاب کارگران ادامه دارد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ مرداد ۹۸، ۳ اوت ۲۰۱۹

تجمع معلمان شاغل و بازنشسته در اصفهان و پیوستن تعدادی از والدین دانش آموزان و مردم به صف آنان

"جنگ افروزی را رها کن، فکری به حال ما کن" روز ۱۴ مرداد علیرغم ممانعت نیروی انتظامی از جمع شدن معلمان شاغل و بازنشسته در اصفهان، آنها با در دست داشتن بنرهایی که بر روی آن اعتراض و خواسته‌هایشان نوشته شده بود، در مقابل آموزش و پرورش این شهر تجمع کردند. در میان آنها بنرهایی با مضمون "جنگ افروزی را رها کن، فکری به حال ما کن"، "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید"، "معلم می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد"، "تورم، گرانی، جواب بده روحانی"، "جای معلم زندان نیست"، "تحصیل رایگان حق مسلم کودکان است"، صدای اعتراض کل مردم را نمایندگی کردند.

در این روز تعدادی از والدین دانش آموزان و مردم شهر نیز به نشانه همبستگی به تجمع آنها پیوستند. در تقابل با این همبستگی‌ها نیروی انتظامی برای ممانعت از گسترش دامنه این تجمع مانع پیوستن بیشتر مردم به صف تجمع کنندگان شد.

معلمان شاغل و بازنشسته در اصفهان طی بیانیه ای ضمن تاکید بر مشترک بودن خواسته‌هایشان با معلمان در تمام استانها مطالبات خود را در ۶ بند اعلام داشتند که در راس آن خواست آزادی فعالان صنفی فرهنگی و بسته شدن همه پرونده‌ها در این زمینه و لغو وثیقه‌های سنگین قرار داشت. دیگر بندهای مطالباتی معلمان شاغل و بازنشسته در تجمع این روز عبارت بودند از: رفع موانع قانونی برای فعالیت رسمی و آزاد تشکلهای معلمان، توقف سیاست پولی سازی مدارس، اجرای تمام و کمال نظام رتبه بندی معلمان، ترمیم اساسی حقوق فرهنگیان و پرداخت تمام معوقات آنها اعم از اضافه کاری، مطالبات معلمان خرید خدمت، حق التدریس و همسان سازی حقوق بازنشستگان فرهنگی با شاغلان و ارتقای آن به بالاتر از حد خط فقر هفت میلیونی

در خاتمه معلمان شاغل و بازنشسته در اصفهان در بیانیه خود ضمن تاکید بر اینکه اگر پاسخ نگیرند به تجمعات اعتراض خود ادامه خواهند داد، از حمایت و همبستگی همه والدین دانش آموزان و مردم شهر که با آنها اعلام همدردی و پشتیبانی کرده و در کنارشان ایستادند قدردانی کرده و از آنها خواستند که با حفظ روح همبستگی خواهان محقق شدن خواسته‌های معلمان و نیز آزادی معلمان زندانی شوند.

در این روز معلمان شاغل و بازنشسته در اهواز نیز تجمع داشتند. در کنار آنان جمعیت زیادی از مریبان پیش‌دستانی و

نیروهای حق التدریس از شهرهای مختلف استان از جمله ایذه حضور داشتند. آنها همصدا با دیگر همکارانشان در تهران که دومین روز تجمع خود را در مقابل وزارت آموزش و پرورش برپا کرده بودند، خواستار استخدام رسمی در آموزش و پرورش و روشن شدن وضعیت قرارداد کاری خود بودند.

پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ مرداد ۹۸، ۵ اوت ۲۰۱۹

سیستم قضایی و مفهوم عدالت قضایی در هر نظامی انعکاسی از مناسبات اجتماعی و بنیادهای اقتصادی و سیاسی در آن است. قلمرو قضا، اعم از پیکره قوانین و تلقی حاکم از حق و انصاف و عدالت تا نهادها و سیستم اداری و روش قوه قضائیه، بخشی از روبنای سیاسی در جامعه است که شالوده اقتصادی و طبقاتی موجود در جامعه را حراست میکند. به این اعتبار عدالت قضایی واقعی و برخوردار از یکسان همه از آن، و قضاوت و حکمیت برآستی مستقل و منصفانه، منوط به دگرگونی بنیادی جامعه طبقاتی موجود است.

یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری



از انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران

تلفن و ای میل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 003584405758250

T- mail: abdolgolpartan3@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

به حزب کمونیست کارگری کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری برای تامین هزینه های ویژه ای که در این دوره با آنها مواجه است، به حداقل ۵۰ هزار یورو نیاز دارد. کلیه اعضا و دوستداران حزب و همه کسانی را که قلبشان برای آزادی از شر حکومت اسلامی و نظام گنبدینه آن میتپد فرا میخوانیم که به این فراخوان جواب مثبت بدهند و حزب را یاری دهند.

کمک های خود را میتوانید به یکی از شماره های زیر واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدهای حزب کمک خودتان را به حزب برسانید.

شماره حساب و آدرس های تماس برای کمک مالی

سرد:
Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
M. Eli
Commerzbank
Kontour: 727634800
BLZ: 60040071
IBAN: DE84600400710727634800
BIC/SWIFT: COBADEFFXXX

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگری:
انگلیس:
England
Account nr. 45477981
sort code: ۶۰-۲۴-۲۲
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۳۹۸۶۸-۵۱
markazi.wpi@gmail.com

از ایران:
تماس با حزب کمونیست کارگری:
از طریق واتس آپ و ایچو: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۶۶۲
tamas.wpi@gmail.com

آدرس تماس در کانادا:
بابک یزدی ۰۰۶۴۶۶۷۷۷۷۳۸
babakyazdi2@gmail.com

شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

روند انقلابی که از دیماه ۹۶ شروع شد با فاصله های هر بار کوتاهتری ادامه می یابد و مردم بیشتری حول مسائل و خواست های خود با روحیه ای نغرضی تر به میدان می آیند. توازن قوا به نفع مردم و سازمانیابی مردم در اشکال مختلف تغییر کرده و دورانی از تلاطم های انقلابی آغاز شده است. توده های مردم در یافته اند که برای رهایی از رنج و مشقتی که بر زندگی آنها حاکم شده است، راهی جز سرنگونی حکومت ندارند. حکومت در بی اقتبی، استیصال و در هم ریختگی هر چه بیشتر دست و پا میزند و توان ادامه کنترل جامعه به شکل سابق را ندارد. در چنین شرایطی لازم است سرعت مشکل شویع، شکل های مناسب این دوره را ایجاد کنیم و سازمان یافته و با نقشه مسیر سرنگونی را با دخالت هر چه بیشتر توده های مردم و با قدرت و با کمترین مخاطره به پیش ببریم.

یک ابزار مهم هدایت و سازماندهی مبارزات در این شرایط، شوراهای سازماندهی اعتراضات است. شوراهای سازماندهی میتوانند در محلات و شهرها وسعاً ایجاد شوند و سازماندهی مبارزات را بعهده بگیرند. شوراهای سازماندهی شکل مناسب هدایت اعتراضات و اعتراضات توده ای و سراسری در شرایط حاضر است که میتوانند در هر محل و شهر و منطقه ای اعتراضات مردم را رهبری کنند، مردم را حول خواست های سیاسی و رفاهی و حول خواست های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه متحد نگهدارند، جلو شعارها و تاکتیک های انحرافی را بگیرند و در واقع نقش رهبری میدانی مردم را بعهده بگیرند. رهبران و فعالین کارگری و اجتماعی از تجارب گوناگونی در سازماندهی برخوردارند و در ایجاد این شکل ها میتوانند نقش بسیار مهمی ایفا کنند.

شوراهای سازماندهی در شرایط کنونی اساساً مخفی هستند اما در اولین شرایط مناسب اعلام موجودیت میکنند و علنی میشوند. شوراهای سازماندهی ایجاد شوراهای مردم برای اداره جامعه را در مراحل بعدی تسهیل میکنند.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری و جوانان معترض را فرامیخواند که در هر شهر و محلی که میتوانند دست به کار ایجاد این شوراها شوند، فعالین میتوانند تعداد هر چه بیشتری از کسانی را که میخواهند در این شرایط علیه حکومت و برای پیروزی انقلاب فعالیت کنند، در این شوراها جمع کنند، با استفاده از روابط و امکانات خود و با استفاده از مدیای اجتماعی حلقه تماس خود با مردم شهر را گسترش دهند و خود را برای ایفای نقش در شرایطی که جامعه وارد تلاطم انقلابی شده و مبارزات روز بروز نغرضی تر و گسترده تر میشود آماده کنند.

جامعه ایران وارد دوره تازه و تعیین کننده ای شده است. شوراهای سازماندهی یک پاسخ مهم برای استقبال از این شرایط است. حزب کمونیست کارگری از هر اقدام و ابتکار عملی در این راستا حمایت میکند و از تبادل نظر و شنیدن نظرات و پیشنهادات فعالین برای شکل دادن به شوراهای سازماندهی به گرمی استقبال میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ تیر ۱۳۹۷، ۶ جولای ۲۰۱۸

منزلت، معیشت حق مسلم ماست

این فریاد کارگران و معلمان و بازنشستگان ایران در مقابل حکومت توحش اسلامی سرمایه داران است. در عصر پیشرفتهای شگرف بشری، ارتجاع سرمایه داری یک بانقلاب متعفن را بنام جامعه بر انسانها حاکم کرده است. این را نمی پذیریم! تحقیر و بی اختیاری و زندگی زیر قتر را پایان خواهیم داد. انقلابی برای اعلام پایان عصر توحش و آغاز جامعه انسانی در ایران به حرکت در آمده است. انقلاب ضد مذهب، انقلاب ضد نابرابری و فقر، انقلاب ضد استثمار و ضد چپاول و ضد ارتجاع حاکم، انقلابی که بر پرچم آن نفی زندان و اعدام و فقر و تبعیض حک شده است. انقلابی که رفاه و آزادی و شادی را برای تک تک افراد جامعه تضمین میکند. کارگران و مردم ایران با شعار منزلت و معیشت و آزادی عزم کرده اند که حاکمیت مفتخوران اسلامی سرمایه دار را برای همیشه از سر جامعه جارو کنند. منزلت و رفاه و آزادی با قدرت انقلاب ما به قانون بی چون وچرای جامعه تبدیل خواهد شد.

زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!
حزب کمونیست کارگری